

تحلیل

دومینوی اعتراض‌ها در کشورهای عربی

موج اعتراض‌های مردمی ظرف کمتر از یک ماه به برکناری روسای جمهور تونس و مصر که مدت‌ها در راس قدرت قرار داشتند، منجر شد و در صورتی که سایر کشورهای عربی در اسرع وقت اصلاحات لازم را اعمال نکنند ممکن است این موج این کشورها را نیز در بر گیرد. حسنی مبارک، رئیس‌جمهور سابق مصر که چندی پیش پس از حدود ۳۰ سال تکیه زدن بر مسند ریاست جمهوری از سمت خود استعفا کرد و زین‌العابدین بن‌علی، رئیس‌جمهور سابق تونس که پس از ۲۳ سال حکومت در ۱۴ ژانویه از این کشور به عربستان گریخت هر دو از مقابله با موج اعتراض‌های مردمی بازماندند. پل سالم، کارشناس مسائل خاورمیانه می‌گوید: شهروندان عرب که از بی‌کاری، بی‌عدالتی و فساد به ستوه آمده‌اند، در شرایط و حال و هوای دو ماه پیش نیستند و برای آنها ثابت شده که با دو یا سه هفته تظاهرات می‌توانند رهبران کشورشان را بر کنار کنند. بسیاری از سران عرب نظیر معمر قذافی، رهبر لیبی برای مدت بیش از ۴۰ سال در مسند قدرت قرار داشته‌اند و در عین حال بسیاری دیگر در حکومت خود به طور ناگهانی دست به اتخاذ تدابیر امنیتی، اجتماعی و انجام اصلاحات سیاسی زده‌اند. اعتراض‌های گسترده‌ی مردمی در دو کشور تاثیر بسزایی در منطقه خواهد داشت و آمریکا که از ایجاد تغییرات در تونس و مصر استقبال می‌کرد، در تلاش است تا در سایر کشورها نیز از تغییرات حمایت کند. صالح‌العالمی، وزیر اطلاع‌رسانی سابق اردن تصریح کرد: کشور بعدی کجاست؟ هیچ کس قادر به پیش‌بینی نیست. وی با بیان این مطلب افزود: این موضوع شامل عربستان نیست این کشور غنی و نفت‌خیز توسط افراد محافظه‌کار اداره می‌شود و روند اصلاحاتی که توسط ملک عبدالله آغاز شده به دلیل نفوذ مسائل سنتی به کندی پیش می‌رود. عشقی ضمن تأیید این ارزیابی صالح‌العالمی خاطرنشان کرد: آمریکا به دنبال جلوگیری از تغییرات ناگهانی در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس است، زیرا این امر به مختل شدن تأمین منابع نفتی دنیا منجر می‌شود. با این حال واشنگتن به آنها توصیه می‌کند که اصلاحات انجام دهند و سرعت انجام اصلاحات را افزایش دهند. وی افزود: نسیم تغییرات به سمت کشورهای خلیج فارس در حال وزیدن است و چنانچه سران این کشورها در قوانین تغییرات ایجاد نکنند مرهمشان این کار را خواهند کرد. اعتراض‌ها در تونس و مصر بارهبری جولان و با استفاده از سایت‌های اینترنتی فیس بوک و توئیتر آغاز شد. وی خاطرنشان کرد: معترضین بدون پیروی از ایدئولوژی به خصوص توانستند به موفقیت دست یابند. آنها خود را به عنوان تنها گزینه در مقابل رژیم‌های استبدادی عرب معرفی کردند. سالم تصریح کرد: اتحاد کشورهای عرب و آمریکا ممکن است تضعیف شود تا خودمختاری بیشتری برای ملت‌های عرب حاصل گردد، با این حال آنها راه دیگری جز داشتن رابطه با آمریکا ندارند.»

نگاه

وقایع مصر همه چیز خلاف پیش‌بینی‌ها واجراردی‌»
چقدر در اشتباه بودیم، وقتی ناآرامی‌ها در تونس شروع شد، بیشتر کارشناسان از جمله خود من می‌گفتیم زین‌العابدین بن‌علی، مرد قدرتمند تونس که سال‌ها زمام امور این کشور را در دست داشته، این ناآرامی‌ها را سرکوب می‌کند و می‌ماند. وقتی که بن‌علی به طور ناگهانی از تونس فرار کرد و ناآرامی‌های این کشور به مصر کشید، بیشتر کارشناسان، از جمله خود من، گفتیم مصر تونس نیست و حسنی مبارک قدرتمند که سال‌ها بر مصر حکمرانی کرده، ناآرامی‌ها را سرکوب می‌کند و می‌ماند. وقایع چند هفته اخیر، با همه پیش‌بینی‌ها و انتظارات در تناقض بود و باعث شد حتی کارآزموده‌ترین ناظران هم در پیش‌بینی این‌که منطقه به کجا می‌رود، ناتوان باشند. ابتدا اینکه استعفاۤی حسنی مبارک و خروج او از قاهره به معنای حل فوری بحران مصر نیست. بر عکس، آقای مبارک فقط مشکلاتش را به دامن مقام‌های بلندپایه ارتش ریخته. مشخص نیست که آیا امرای ارتش مصر می‌توانند در مقابله با این مشکلات، بهتر از آقای مبارک عمل کنند یا نه. اینکه آیا ارتش می‌تواند یکپارچگی خود را حفظ کند، هم مشخص نیست.

قدرت مردم

دوم اینکه موفقیت «قدرت مردم» در مصر برای اعراب بسیار مهم‌تر از این موفقیت در تونس است. مصر پرجمعیت‌ترین و قدرتمندترین کشور عربی است. آقای مبارک به مدت سه دهه در این کشور حکومت کرد. وقایع مصر از همین حالا هم افکار عمومی سراسر منطقه را تکان داده، منطقه‌ای که دستخوش مشکلات مشابه است؛ استبداد، فساد، بیکاری و نبود منزلت انسانی، مستبدانی که سازمان‌های امنیتی ضعیف‌تر و کوچک‌تر از مصر دارند، در مقابل توفان خشم مردم آسیب‌پذیرترند و زودتر در این توفان می‌روند. دیکتاتورهایی که پول کافی برای خریدن ناراضیان دارند، از همین حالا دارند این کار را می‌کنند. کشورهای فقیرتر مثل اردن و یمن مجبور خواهند بود برای این کار، قرض بگیرند. سوم اینکه این بحران بر اقتصادهای منطقه – از جمله در حوزه‌هایی چون قیمت نفت، صنعت جهانگردی، و توانایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی- تاثیر شدیدی داشته است. چهارم آن‌که سقوط مبارک بر یک رشته از مسائل منطقه‌ای تاثیر خواهد گذاشت که از جمله آن فرایند صلح اعراب با اسرائیل است. پیش‌بینی چگونگی این تاثیر اگر غیرممکن نباشد، دست کم دشوار است. نسبت به واکنش آمریکا به بحران مصر نیز انتقادهای مطرح شده است.

درس‌هایی برای غرب

و بالاخره، دولت‌های غربی به لحاظ تعیین خط مشی، در وضعیت دشواری قرار گرفته‌اند و در کوتاه مدت، راه‌حلی برای این مسئله وجود ندارد. بر بخورد دولت پراک اوپاما در بحران مصر، نلنسانب بود و اتحایه اروپا هم خیلی بهتر عمل نکرد. اما حتی اگر غربی‌ها در این مورد با اعتماد به نفس و محکم هم واکنش نشان می‌دادند، مسئله اساسی و بنیادین همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. از چند دهه قبل، ثبات در این منطقه برای غرب اولویت اصلی بوده و بیش از دموکراسی و حقوق بشر اهمیت داشته است. اکنون که سیاستمداران تقلا می‌کنند از واقع جاری درس‌هایی بیاورند، بازاندیشی‌های فوری در جریان است. یک درس دردنک دیگر برای قدرتهای غربی این است که نفوذشان چند بر یک کشورهایی که کمک مالی بزرگ به آنها می‌کنند، تا چه حد ناچیز است. پول، عشق و محبت ایجاد نمی‌کند و زمانی که هوا پس است، نمی‌توان با آن یک متحد نزدیک را از خشم مردم نجات داد.

«تحلیلگر مسایل خاورمیانه، مرکز تحقیقاتی وودرو ویلسون واشنگتن

لویی مار تینیز پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی علوم سیاسی پاریس و کارشناس مسائل مراکش و خاورمیانه در گفت‌وگو با لوموند پیروزی مردم الجزایر بر حاکمیت که اعتراض‌های آنان پس از سقوط حسنی مبارک از مصر شدت گرفته است را نسبت به سایر کشورهای نیازمند زمان بیشتری می‌داند.

بین‌المللی علوم سیاسی پاریس و کارشناس مسائل مراکش و خاورمیانه در گفت‌وگو با لوموند پیروزی مردم الجزایر بر حاکمیت که اعتراض‌های آنان پس از سقوط حسنی مبارک از مصر شدت گرفته است را نسبت به سایر کشورهای نیازمند زمان بیشتری می‌داند.

– کناره‌گیری حسنی مبارک از ریاست‌جمهوری مصر چه تأثیرات و عواقبی برای کشورهای همسایه دارد؟

در زمان حاضر تحلیل‌ها و عقاید دقیقه به دقیقه در حال تغییر است. اما از این زمان به بعد، تنها چیزی که می‌توان با قطعیت گفت این است که کناره‌گیری یک رئیس‌جمهور از قدرت، در این منطقه امری استثنایی خواهد بود. در رابطه با تونس می‌شد چنین پیش‌بینی انجام داد، اما درباره دیگر کشورها خیر. اعتراضات مصری‌ها باعث فرار مبارک شد، بلکه منجر به کناره‌گیری وی از قدرت شد. در عین حال باید افزود این کناره‌گیری حمایت ارتش را نیز در برداشت. این رویداد نظرات و تحلیل‌های جدیدی به کسانی خواهد داد که آن را غیرقابل تصور می‌دانستند. انگار که دیوار برلین جدیدی در حال شکاف برداشتن است. احتمالاً از حالا به بعد، شاهد مقاومت‌های کم و بیش بیشتری خواهیم بود چرا که «باتون‌ها» همه جا از یک جنس نیستند، اما این بار ما وارد مرحله بالاتری شده‌ایم و این رویداد قابل ملاحظه‌ای است.

– سقوط مبارک چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟
ایمن امر که ارتش مصر تا آخرین لحظه با دولت همبسته بود باعث می‌شود ارتش نقش یک واسطه و میانجی‌ی معتبر را در مقابل مردم ایفا کند. پیام ارتش به مردم مصر این است: «اینکه شما مبارک را از قدرت پایین کشیدید درست است، اما نمی‌توانید سیستم را مقصر بدانید.» این نظریه ممکن است گسترش روند دموکراسی‌سازی را محدود و با مشکل مواجه کند. این پیروزی بسیار مهم است اما مصری‌ها در آینده، باید، از راه سیاسی، با ارتش مقابله کنند که بسیار منسجم باقی مانده است، در حالی که وضعیت در تونس فرق می‌کند: اعتراضات در تونس همه چیز را فرا گرفته است و هیچ

کارشناس فرانسوی مسایل خاورمیانه:

پیروزی مردم الجزایر زمان بیشتری نیاز دارد

ترجمه: فریده طلیلی



محدودیتی نمی‌شناسد تا حدی که معترضان برچیدن تمام نهادهای را خواستار هستند.

– آیا احتمال سرایت چنین انقلابی به الجزایر نیز وجود دارد؟

حکومت الجزایر به خوبی می‌تواند از عهده یک محاصره دو یا سه ماهه بربیاید. متأسفانه این کشور تجربه‌های زیادی در این زمینه دارد و خوب می‌داند که در چنین مواقعی چه عکس‌العملی از خود نشان دهد. انقلاب را دارد. احتمالاً حرکت اعتراضی در الجزایر بیشتر ترس از جنگی دوباره در بین مردم این کشور بسیار قوی است چراکه حتی در صورت پایان جنگ داخلی، مشخص نیست که عدالت در مورد قربانیان اجرا شود. اکنون شرایط در این کشور بسیار بحرانی است.

– چه کسی نقش هماهنگ‌کننده ملی را برای تغییر و دموکراسی در الجزایر بر عهده دارد؟

من نیز همگام با دیگران آن را کشف خواهیم کرد. به نظر من این هماهنگی تلاش می‌کند دو کار را انجام دهد؛ از یک طرف گرد آوردن تیره‌های دموکراتیک سنتی در الجزایر، که در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در صحنه حضور داشتند، اما در سال ۲۰۰۰ نسبتاً ناپدید شدند، و عوامل مجازی که به سبک تونسلی و مصری، به امید اینکه این حرکت به انقلابی واقعی تبدیل شود، سعی در سازماندهی یک حرکت جمعی کرده‌اند. در گروه دوم تقریباً انواع

□

دختر عبدالناصر:

مصر به این توفان نیاز داشت

ترجمه: ریحانه طباطبایی

«تفافی که اکنون در مصر رخ داده همچان‌انگیزترین و نشاط‌بخش‌ترین حادثه تاریخی این کشور از زمان بحران کانال سوئز است. همراه و همپای مردم بودن سبب می‌شود که یک نفر در قدرت باقی بماند یا خیر؟ این آن چیزی است که پدر من از آن استفاده کرد یعنی همراهی و همدلی با مردم و همین امر نیز سبب شد تا او به قدرت برسد و پس از جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ نیز توده‌های مردم بودند که از او خواستند به قدرت بازگردد و بر سر کار باقی بماند.»

این سخنان «هدی عبدالناصر» دختر نخستین رئیس‌جمهور مصر جمال عبدالناصر است که با هفته‌نامه الاحرام مطرح کرده است. هدی عبدالناصر استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره نیز هست. او در این گفت‌وگو تأکید می‌کند: «من به جوانان کشورم افتخار می‌کنم. مردم عموماً فکر می‌کنند جوانان سیاست‌گریز هستند و توجهی به وقایع سیاسی پیرامون خود ندارند اما آنان ثابت کردند این اندیشه اشتباه است و آنان کاملاً نسبت به مسائل سیاسی حساس هستند. پدر من همیشه از حساسیت‌های مردمش نسبت به امور کشور شادمان می‌شد و به مردمی که در میدان التحریر جمع شده بودند و خواستار تغییرات اساسی در سیاست و جامعه بودند افتخار می‌کرد.»

هدی عبدالناصر در بخشی از این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: «ناصر در متنها و روش‌های انقلابی‌گری در مصر و جهان عرب تغییرات اساسی به وجود آورد. برای همین هم هست که مجسمه بزرگی از ناصر را در میدان تحریر مشاهده می‌کنید. شما مجسمه‌های دیگر رهبران رئیس‌جمهورهای مصر را در این کشور نمی‌بینید. فقط مجسمه ناصر قابل مشاهده است. حتی جوان‌هایی که در زمان پدرم به دنیا نیامده بودند و هیچ راه را او ندیده بودند نیز به مجسمه او احترام می‌گذاشتند و برایش ارزش جداگانه‌ای قائل هستند. من این اظهارات را بیان نمی‌کنم به دلیل اینکه دختر او هستم. خیر من به دلیل نسبت فامیلی از ناصر دفاع نمی‌کنم. من این سخنان را می‌گویم چون به آن اعتقاد دارم و راهی را که ناصر رفت باور دارم. این وظیفه و توانایی من به عنوان یک تاریخ‌ن‌خان و سیاستمدار است که حقایق را بازگو کنم…»

شبکه العربیه تصویری از کوچک‌ترین پسر عبدالناصر

جهان

کارشناس فرانسوی مسایل خاورمیانه:

پیروزی مردم الجزایر زمان بیشتری نیاز دارد

ترجمه: فریده طلیلی

اشخاص و فعالیت‌ها را می‌توان یافت، به ویژه اشخاصی که در دنیای اینترنت به ابتکارهای خاصی دست زده‌اند. از طرف دیگر، این هماهنگی همچون در تونس و مصر، باید جایگاه‌های سیاسی واقعی و مستحکمی پیدا کند تا بتواند دنیای مجازی را به دنیای واقعی و آرمان‌ها را به مذاکرات تبدیل کند.

رویدادهایی که در تونس و مصر صورت گرفت، نشان می‌دهد این اتفاق امکان‌پذیر است؛ اگر ارتش مصر این آمادگی را داشت که بگذارد رئیس دولت با احترام منصبش را ترک کند، چرا در الجزایر این اتفاق تکرار نشود؟ من منتظر هستم تا ببینم آیا الجزایری‌ها نیز همان شعارهای مصری‌ها را سر خواهند داد یا خیر. چرا که اگر همان شعارها و همان حرکت تکرار شود، این به معنای آن خواهد بود که سبک جریان امور نیز، به همان صورت پیش خواهد رفت. من

فکر می‌کنم اگر فشارهای مردمی اقتدر قوی باشد که عبدالعزیز بوتفلیقه را از حکومت ساقط کند، ارتش نیز با بر کناری وی از قدرت مشکلی نداشته باشد. اما برای ارتش الجزایر تصور اینکه به خیابان‌ها بیاید و با مردم مقابله کند، بسیار دشوار است. بنابراین به اعتقاد من، امور به صورت متفاوتی پیش خواهد رفت و شعارهای مردمی بیشتر علیه سیستم خواهد بود تا علیه رئیس آن.

– نیروهای انقلابی الجزایر با چه موانعی روبه‌رو هستند؟

مسئله مهم کنونی الجزایر اتحاد و همبستگی باقی شهرهای این کشور با اعتراضات صورت‌گرفته در پایتخت آن است. من بسیار کنجکاو هستم که بدانم آیا پویایی کنونی پایتخت الجزایر گسترش می‌یابد یا خیر، چرا که از دیرباز شهر الجزیره، به عنوان شهری سرکش شناخته شده که همه شورش‌ها و اعتراضات در بطن آن صورت گرفته است، در حالی که دیگر شهرهای الجزایر ازآما در این اعتراضات شرکت نمی‌کردند. در مصر، اعتراضات قاهره به سرعت توسط شهرهای دیگر حمایت شد. در تونس نیز انقلاب این کشور، از شهر کوچک و دورافتاده یکی از استان‌ها آغاز شد و سپس به پایتخت رسید، که نشان‌دهنده مشارکت تمام شهرهای این کشور در انقلاب بود اما در الجزایر، بر عکس، هنوز برای این سوال اساسی پاسخی داده نشده است.

منبع: لوموند

□

مردم مصر وابسته است.

هدی عبدالناصر اعتقاد دارد

ارتشی که ناصر بن‌سا نهاد

بخش غیرقابل تفکیکی از

مردم مصر است. ویژگی

مهم ارتش مصر در تاریخ

جدید مصر نشان‌دهنده این

است که موسسه‌های آموزش

نظامی نقش محوری در

ارتش این کشور دارد. ارتش

مصر به صورت طبیعی و

ذاتی همیشه با توده‌های

مردم است و ما امیدواریم

این همراهی تا امروز باقی

بماند. او گفت: من فکر

می‌کنم این بحث درست

است و در انقلاب فعلی

مصر نیز می‌توان این را

دید که ارتش با مردم باقی

مانند. ارتش در این کشور

بخشی از مردم است و

همین مردمی بودن نیز فاز

جدیدی از تظاهرات را به

نمایش گذاشت. این یکی از

مواردی است که من حتماً

در کتاب بعدی خود که به

نام «مشروعیت ناصر» است، خواهم آورد.

قدرت می‌خواست از ارتش علیه مردم استفاده کند و این تهدیدی بود علیه انقلاب مردم اما رفتار ارتش در میدان تحریر شور و شوق جدیدی در میان مردم وجود آورد. رفتار ارتش تلاشی بود برای اینکه در میان مردم خرابکاران نتوانند نفوذ کنند و تظاهرات آنان را به خشونت بکشاند.

در ادامه هدی عبدالناصر مقایسه‌ای می‌کند بین پدرش و دیگر جوانان آن زمان چون الفناح و احمدحسین که حرکت‌های امروز شجاعانه به پایه‌گذاری کردند و جوانانی که در میدان تحریر تظاهرات کردند و می‌گوید: «گروه افسران آزاد که توسط پدرم پایه‌گذاری شد، گروه مخفی و زیرزمینی از افسران مصری بود اما نقطه مشترک همه آنها تظاهرات و فعالیت سیاسی صورت گرفته توسط جوانان بود و من مطمئن هستم قدرت جوانان مصری است که تاریخ این کشور را می‌سازد.»

سه‌شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۹

که طول کشید تا عمر سلیمان استعفاۤی حسنی مبارک از

ریاست‌جمهوری و به دست گرفتن قدرت توسط شورای

عالی نظامی را اعلام کند. پس از ۱۸ روز تظاهرات مداوم

که فاتحان میدان التحریر در مقابل هر تبری که رژیم

در حال مرگ به سویشان افکند کنار رفتند و در مقابل

تیراندازی‌های گاه به گاه، موج بازداشت و دستگیری، قطع

اینترنت و موبایل، ایستادگی کردند، صدای مردم مصر به

ناچار شنیده شد. در آینده هم انقلاب مصر هر سرنوشتی

پیدا کند، این لحظه‌ای بااهمیت در تاریخ است. این لحظه،

لحظه بازبنیان نهادن مصر به عنوان رهبر جهان عرب و

مصری‌ها در هسته اخلاقی آن است. این انقلاب- تنها

کلمه مناسب آن- انقلاب مردم عادی بود که با سرسختی

فوق‌العاده‌ای خواستار حقوق اولیه سیاسی خود بودند:

انتخابات آزاد، احزاب سیاسی واقعی و پلیسی که به

جای پایمال کردن، از قانون پاسداری کند. در این مبارزه

مسلمانان و مسیحیان و… شانه به شانه هم ایستادند، هیچ

پرچم فرقه‌ای در التحریر دیده نشد، تنها پرچم‌های ملی

برافراشته بود. هیچ‌یک از دیکتاتورهای جهان عرب و خارج

از آن از سرنوشت مبارک گریزی ندارند چیزی که مصری‌ها

برای این لحظه فنا فدا کردند. اما شادمانی که خیابان‌های

همه شهرهای مصر را مزین کرده، به خودی خود تضمینی

برای آینده دموکراتیک نیست. پرسش‌های مهم بسیاری

از شب پیش بی‌پاسخ مانده است. پرسش‌هایی حول اینکه

ارتش مصر چه نقشی در رسیدن به خواسته‌های انقلابی ایفا

خواهد کرد. پیش از بحران، افسران رده بالای ارتش تصور

نمی‌کردند باید نیروی متعادل‌کننده میان رئیس‌جمهور

گردنکش و مردم خشمگین خیابان باشند. ژنرال‌هایی که

در دوره رئیس‌جمهور سابق ژنرمنند شده بودند، حالا

بخشی از چیزی شدند که یک دانشگاهی آن را ترکیب

نظامی- مبارک خواند. تقریباً تمام کسانی که از قدرت کناره

گرفته‌اند، از افراد رده بالای حزب حاکم تا فرمانداران محلی

هنگی نامند. امروز تمام و سسر رژیم از میان رفته

است، اما عصری که آن را احیام می‌کردند هنوز هستند.

اگر همه چیز تجربه تونس تکرار شود، خیل تظاهرات دو

هفته گذشته پایان نیافته است. احتمالاً بسیاری از عمر

سلیمان خواهند خواست او نیز از رهبر حامی‌اش پیروی

کند. زمانی که انقلاب آغاز شد، حتی رئیس اطلاعات سابق

نیز نقشی مثبت ایفا کرد. اما از آن پس با وجود اظهارات

اعمال متناقض وی، به سختی می‌توان گفت او می‌توانست

عامل تغییر باشد. او می‌گفت مصر آماده دموکراسی نیست

و مصری‌ها را از دیدن کانال‌های خارجی محاوره منع

می‌کرد. او به ابتکار خود وارد بحث با سازمانی شد که روزی

می‌خواست آن را درهم بشکند؛ اخوان‌المسلمین. اما بعد

شرکت‌کنندگان در نشست با صدور بیانیه‌ای آن را محکوم

کردند. عمر سلیمان مطمئناً دیگر نمی‌تواند در نقش یک

میانجی ظاهر شود. از سوی دیگر پیامدهای انقلاب مردم

مصر برای آمریکا بسیار گسترده‌است. واشنگتن که تلاش

می‌کرد با یک صدا حرف بزند از موعظه برای ایجاد ثبات

به اعلام این رسید که خواسته‌های سیاسی مردم مصر

راقیگر و دقیقاً همان باورهای درونی امریکایی‌ها بود. مصر

پس از انقلاب احتمالاً معادله‌های خود با اسرائیل را زیر پا

نمی‌گذارد اما دیگر به سختی می‌تواند با همسایه‌های خود در غزه

وارد معامله شود. مصر به لحاظ سیاسی بیشتر شبیه تر که

خواهد شد. مصری‌ها نه‌تنها مبارک را سرنگون کردند که

استقلال خود از آمریکا و متحدانش را نیز به رخ کشیدند.

منبع: گاردین

گزارش

انفعال اتحادیه اروپا

در قبال رویدادهای شمال آفریقا

ناآرامی‌های تونس و مصر بیش از پیش آشکار ساخت که اتخاذ مواضع مشترک اتحادیه اروپا در قبال رویدادهای کشورهای عربی تا چه اندازه کند و با تامل همراه بوده است.

ناتوانی ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در اتخاذ سیاست

خارجی مشترک در قبال رویدادهای اخیر کشورهای عربی و

شمال آفریقا، بیش از پیش آشکار شد. گرچه انتقاد از کاترین

آشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا همیشه وجود

داشته است، اما آماج انتقادات از سوی به دلیل عدم قاطعیت و

همین‌طور سیاست مخفی‌وی بیش از پیش افزایش یافته است.

به گونه‌ای که سفر وی به شمال آفریقا که همراه با تأخیر انجام

شد نیز به بهبود اوضاع کمکی نکرد. اکنون براساس خواست

۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، آشتون باید به بررسی دقیق این

مسئله بپردازد که برنامه‌های آتی اتحادیه اروپا که قول آن به

تونس داده شده است با هدف تغییرات دموکراتیک قرار است

چگونه تحقق یابد. اتحادیه اروپا قبل از هر نهاد دیگری اعلام

کرده بود که آماده کمک به تونس برای برگزاری انتخابات

است. اتحادیه اروپا برای مصر نیز برنامه‌های مشابهی در سر

دارد. با این تفاوت که مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا

مورد اقبال مصر نیست. به گونه‌ای که دولت مصر براساس

نظر دیپلمات‌های بروکسل، علاقه‌ای برای هیچ دیدار خارجی

ندارد. حداقل این مسئله قبل از زمان حسنی مبارک وجود

داشته است. این که آشتون از سوی مردم طرد شده، به چهره

یک دیپلمات منغل برمی‌گردد؛ دیپلماتی که سیاست وی

در مواقع حساس به سختی قابل درک است. براساس اعلام

روزنامه فرانسوی لوموند، حضور این سیاستمدار اتحادیه اروپا با

گشت یک سال از زمان حضور وی در این سمت، کم‌رنگ و کم

اهمیت است. طبق اعتراضات مردمی وان‌انامری، پیمس شورای

اروپا رویدادهای غیر منتظره اخیر در مصر و تونس تنها منجر

به انتشار تعداد بسپار زیادی بیانیه از سوی اتحادیه اروپا شد.

یوس لترمه، نخست‌وزیر بلژیک نیز در نشست سران اتحادیه

اروپا ضمن حمایت از آشتون گفت: اروپا باید با یکصداه صحت

کند، آن‌هم با صدای خنم آشتون. یک کارمند بلندپایه اتحادیه

اروپا نیز معتقد است که مقامات نزدیک به آشتون نیز در قبال

رویدادهای شمال آفریقا واکنش‌های بسیاری داشته‌اند. طبق

یادداشتی که به خبرگزاری آلمان ارائه شد، استراتژی اروپا در

تونس به بازگتری احتیاج ندارد. این در حالی است که دیدار

هیات پارلمان اروپا برای مسایل تونس و مصر با اختلاف نظر این

مقامات همراه بوده است. البته مقامات دیپلماتیک اتحادیه اروپا

معتقدند که اتحادیه اروپا در قبال مسایل مختلف استراتژی‌های

مختلفی اتخاذ می‌کند، ولی اتخاذ این استراتژی‌ها در سکوت و

آرامش روی می‌دهد.